

از شور عاشورا تا پیام های حسینی

<?xml encoding="UTF-8">

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم: «مکتوب عن یمین العرش ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاة» (1)

کربلا در سینه اش پنهان هزاران راز دارد
همره هر موج خورش، گوهری ممتاز دارد

عبارت حماسه و شور حسینی، به طور مکرر در میان مردم ما به کار رفته است و تحقق آن، که مربوط به جنبه عاطفی و احساسی «عاشقان حسینی» است تأثیرات فراوان داشته و شاید از کمترین عامل مؤثر (شور و احساسات) بیشترین تأثیر (ایجاد و حفظ ایمان و افزایش آن) را داشته ایم . مگر نه این است که دین انبوهی از مردم ما در ایام محرم و یا عاشورا زنده یا زنده تر می شود و باعث حفظ و افزایش ایمان آنها است .

آیا این واقعیت تاریخی که جرقه و شروع انقلاب و اعلان برائت از حکومت ظلم و فساد شاهنشاهی از محرم 41 شروع شد، قابل انکار است؟ و یا این که مؤثرترین و پیروزمندترین عملیات های نظامی در دوران جنگ هشت ساله با سینه زنی ها و رمز یا حسین علیه السلام و شروع شده است . . . و این که تأثیر گذاری فراوان و نهفته و قابل هدایت و جهت دهی (تاکید بر شعور حسینی) موجب شد که سیاست دشمنان دین بر کم رنگ و بی محتوا کردن و در برخی مواقع، بر نابودی شور و حماسه و عزاداری سالار شهیدان دچار شکست شود .

حال از خود می پرسیم: وقتی این واقعیت (حماسه حسینی) که نه تمام دین و بلکه جزئی اندک از دین است، می تواند تأثیری چنین شگرف در زندگی فردی و اجتماعی بگذارد؛ «شعور حسینی» که مجموعه ای از اعتقادات راستین و حقیقی و رفتارهای فردی و اجتماعی مناسب با آن افکار است، چه تأثیری بس شگرف تر و مؤثرتر در حوزه زندگی خواهد گذاشت؟ و چگونه خواهد توانست دوستان را هدایت و دشمنان را نا امید گرداند؟

شعور حسینی به عنوان مدینه فاضله دینی و شیعی، عبارت است از مجموعه ای از افکار و اعتقادات و رفتارهای فردی و اجتماعی هماهنگ و برخاسته از منشا «عصمت حسینی» که موجب بروز فرهنگ ناب محمدی و مهدوی و شیعی می شود . اگر شعور حسینی به معنای درک و فهم و الگوپذیری از زندگی فکری و رفتاری سیدالشهداء حسین بن علی علیهما السلام به عنوان موجودی زنده و پیش برنده به جامعه رخ بنماید، هر روز «عاشورا» و هرجا «کربلاست» و بهشت در دنیا تحقق خواهد یافت؛ چرا که کربلا پاره ای از بهشت است .

چراغ و نور هدایت و کشتی نجات حسینی، عینیت نمی یابد مگر این که جامعه رنگ حسینی و الگوی فکری و رفتاری امام حسین علیه السلام را به خود بگیرد .

به نظر نگارنده نوع حرکت امام حسین علیه السلام و اهل بیت و اصحابش از مدینه تا کربلا به گونه ای توأم با اعلام و آشکار کردن بوده و سخنان آن فرزند رسول خدا و فاطمه زهرا علیها السلام می خواسته الگویی راستین و حقیقی از معارف و اعمال صالح به جامعه ارائه دهد تا، از این رهگذر، مردم هدایت یابند و دین جدش که اسلام

ناب محمدی است، دوباره زنده گردد . از همین رو، بزرگان فرموده اند: «ان الاسلام محمدی الحدوث و حسینی البقاء» ؛ اسلام از ناحیه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به وجود آمد و از ناحیه حسین علیه السلام بقا یافت . البته این سخن مشهور که از زبان بشر معمولی صادر شده برخاسته از سخن وحی نبوی یعنی «حسین منی و انا منه (من حسین)» (2) می باشد . مفهوم فقره نخست روایت، آشکار است و قسمت دوم که می فرمایند: من از حسینم، چیزی نیست مگر به این معنا که دین من از ناحیه سالار شهیدان اباعبدالله الحسین علیه السلام آبیاری و زنده خواهد شد . آری، «شعور حسینی» رمز بقای اسلام حقیقی و ناب محمدی است .

اعلام سال «عزت حسینی» از سوی رهبر عزیز و فرزانه، با این آرزو بود که جامعه به حقیقت رنگ و بوی رفتار حسینی بگیرد و دینداری واقعی و فرهنگ حسینی در دولت و ملت تقویت شود .

حال به جلوه هایی از شعور فکری و سپس شعور رفتاری و اخلاقی امام حسین علیه السلام و یارانش می پردازیم تا الگویی صحیح و کامل فرا روی زندگی ما باشد .

توحید حسینی

سیمای معصومان در زیارت «جامعه کبیره» به عنوان نه توحید الهی بلکه ارکان توحید خداوند، نه مصداق معرفت الله بلکه پایگاه و آبشخور (سرچشمه) معرفت الله، درهای ایمان، ذوب شوندهگان در محبت الهی، پاکان در توحید ربوبی و . . . معرفی شده اند .

معصوم سوم، امام حسین علیه السلام مصداق بارز و کامل نفس مطمئنه الهی است . وجودش سرشار از ایمان و اعتقاد به خداست . در قلب نازنین او عشق خدا می جوشد . او از ایمان کامل به خدا و جلوه های خدا در گفتار و کردار بهره مند است .

معصومان بزرگ ترین نشانه و آیت خدا در اتصال مردم به خدا، زمین به آسمان، سفلی به علیا و ملک به ملکوت می باشند . چرا که امیرالمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«مالله آیه هی اکبر منی (3) ؛ خداوند نشانه ای بزرگتر از من ندارد .» و البته همه آن بزرگواران نور واحدند . حضور خداوند در زندگی امام حسین علیه السلام دائم و آشکار است . خداشناسی در «دعای عرفه» که امواج عرفان حسین علیه السلام است، به گونه ای عمیق و حیرت آور موج می زند . اوج آن در این فقره دعا نمایان تر است که می فرماید:

معبود من! چون به آثار قدرتت توجه کنم، راه وصول تو بر من دورگردد . چگونه به اشیایی که در هستی خویش محتاج تو اند، بر وجود تو استدلال کنم؟ آیا موجودی غیر از تو ظهوری دارد که از آن تو نباشد، تا او سبب ظهور و پیدایش تو گردد؟ تو کی از نظر پنهان گشته ای که راهنمایی من را به سوی تو رهنمون گردد و چه زمان از من دور بوده ای تا آن که مخلوقات مرا به وصال رسانند؟ کور باد چشمی که تو را نظاره گر خویش نبیند!

کی رفته ای ز دل که تمنا کنم تو را

کی رفته ای ز دیده که پیدا کنم تو را

اخلاص حسینی

حمد و سپاس او در حد اعلا و به گونه ای اوج گرفته که با کوه ایمان پیامبران و ملائکه مقرب الهی برابری می کند:

«الحمد لله حمدا يعادل حمد ملائكته المقربين و انبياء المرسلين»

تمام افکار، رفتار و وجود او در حوزه توحید الهی گام می نهد. جمله زیبا و پرمعنای «لاحول و لا قوة الا بالله» در مکان ها و موقعیت های سخت و دشوار و فدا شدن ها و فداکردن ها، از کلامش به گوش می رسد. خود و دیگران را به خدا متصل کرده است؛ همه چیز و همه جا را از نیروی خدا می بیند.

وقتی از حر می پرسد: به یاری ما آمده ای یا به جنگ ما؟ گفت: برای مقابله و جلوگیری شما آمده ایم. امام علیه السلام فرمودند: «لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم» (4) و نیز چندباری که به پشت خیمه ها آمد، این ذکر مقدس را بر زبان داشت.

اخلاص برخاسته از ایمان و یقین حضرت، در تمام حرکات و سکنات او و اصحابش موج می زند و در این راه تنها رضایت خدا را می نگرد و می فرماید:

به خدا سوگند! از راهی جز این نخواهم رفت تا مشیت الهی به وقوع پیوندد. (5)

به فرمایش امام معصوم علیه السلام در وصیت خود به محمد بن حنفیه، تنها به هدف و قصد اصلاح و نه مال و قدرت و ظلم و ستم از مدینه خارج شده است. (6) و همه چیز ممکن و در دسترس و تمام موجودی خود، اعم از جان، فرزندان و دوستان و اصحاب، همه و همه را در راه خداوند متعال فدا می کند تا جایی که مصداق خارجی و واقعی «ذبح عظیم الهی» می شود!

اخلاص یاران

تبلور اخلاص اصحاب در اعلام وفاداری و کشته شدن، نه یک بار بلکه 70 بار در راه ولایت و امامت آشکار شد. با توجه به گوشه هایی از سخنان آنها همچون مسلم بن عوسجه و زهیر بن قین و بریر، فضایی از توحید ناب و اعتقاد قلبی به امامت و ولایت و معاد قابل مشاهده است؛ سخنان آنها تن هرشنونده ای را می لرزاند.

گویی این اخلاص از سویی مرگ را در نظر اصحاب شیرین تر از غسل کرده بود و سختی ها و دشواری ها را برای آنان آسان کرده و از سوی دیگر مقام معنوی آنها را ارتقاء بخشیده و تا حد «عین الیقین»، پیش برده بود تا آنجا که در روز عاشورا شبه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، جناب علی اکبر علیه السلام پیامبر را مشاهده می کند و فریاد بر می آورد:

«یا ابتا علیک منی السلام هذا جدی رسول الله قدسکانی بقاسه الاوفی» (7)

یعنی او از دست انسان کامل و اشرف مخلوقات، در همین دنیا و روز روشن شربت ملکوتی و بهشتی را نوشید. اخلاص، شربت بهشتی به ارمغان می آورد و دنیا را به آخرت گره می زند و می توان کمی از آن شربت ناب بهشتی را در همین دنیا نوشید. و چنین است که اخلاص سیدالشهدا در گودال قتلگاه در سیمای مبارکش آشکارتر می شود.

در سال «عزت حسینی» مزین کردن خود به اخلاص و کار برای خدا، همچون حسین علیه السلام و اصحاب او، بسیار ضروری است. این همه بده بستون ها «کاسه به جایی رود که قدح باز آید» یک روز به درد ما می خورد، وجود روابط به جای ضوابط، تبار گرایی ها، قوم و خویش محوری، حزب گرایی و حزب بازی ها (هوا و هوس های گروهی) همه و همه برخلاف شعور و اندیشه حسینی است.

یکی دیگر از جلوه های فکری و اعتقادی اصحاب امام حسین علیه السلام در قالب سلامتی در دین و برحق بودن آنها و مایت بی دریغ از مقام ولایت معصوم، آشکار است .

حماسه و اشعار یاران امام، نشان از سلامت دین و حمایت از ولایت و امامت دارد؛ اشعار قمرینی هاشم علیه السلام گویای این واقعیت است . در واقع «شور» در خدمت «شعور و اعتقاد» در آمده است، نه این که شور، حماسه، شعر و ادب خود بذاته هدف اصلی باشد .

جامعه امروز ما در سایه «شعور حسینی» می بایست نگران نابودی و ضعف و آسیب پذیری دین و ایمان خود باشد و حمایت از «ولایت فقه» ، امروز چتر حمایتی و پاسداری از دین و جامعه است . و به تعبیر معصوم علیه السلام: «ولایت، کلید دیگر واجبات است .»

سیاستگذاری دینی و اسلامی و ایمانی، تنها در قلمرو حکومت ولی فقیه جامع الشرایط فراهم می آید و رهبری، موجب تقویت ایمان افراد و فضا سازی ایمانی و اسلامی در سطح جامعه می شود .

پی نوشت ها :

- 1 . مدینه المعاجز، ص 259 .
- 2 . طبقات ابن سعد، بخش امام حسین، ص 27 .
- 3 . اصول کافی، ج 1، ص 207 .
- 4 . مقتل الحسین، خوارزمی، ج 1، ص 230 .
- 5 . اشاره به آیه «و فدیناه بذبح عظیم» (صافات/107)
- 6 . بحارالانوار، ج 44، ص 329 .
- 7 . اعیان الشیعه، ج 1، ص 607؛ مقتل الحسین، مقرر، ص 312 .